

همگرا کردن حمایت از مالکیت‌های فکری و سیاست‌های توسعه*

مترجم : مریم فرضی**

مقدمه

اهداف هزاره توسعه به گونه ای شایسته به اهمیت کاهش فقر و گرسنگی، بهبود آموزش و بهداشت و نیز تضمین توسعه پایدار اشاره می نماید. مطابق با این اهداف کلان، جامعه بین الملل خود را متعهد به کاهش میزان جمعیت فقیر جهان به حدود ۵۰ درصد کنونی تا سال ۲۰۱۵ نمود. در سال ۱۹۹۹ تخمین زده شد که حدود ۱/۲ میلیارد نفر با درآمدی روزانه کمتر از ۱ دلار به سر می برند و نزدیک ۲/۸ میلیارد نفر نیز در آمدی کمتر از ۲ دلار در روز دارند که حدود ۹۰ درصد این افراد در جنوب و شرق آسیا و صحرای آفریقا زندگی می کنند. بیماریهای واگیری نظیر ایدز، سل و مالاریا هر ساله میلیونها نفر را در این کشورها مبتلا می کند و برای بیش از ۱۲۰ میلیون کودکی که در سن آموزش تحصیلات ابتدایی قرار دارند تحصیلات غیر قابل دسترس است و اینها شرایطی هستند که نیاز به اصلاح و بهبود سریع دارند و نیازمند بررسی و سیاستگذاری دقیق است.

در امر سیاستگذاری برای توسعه باید به این نکته توجه شود که کشورهای در حال توسعه همگی در یک سطح قرار ندارند و بسیار ناهمگون هستند و این امر که بسیار واضح می نماید اغلب به راحتی فراموش می شود. کشورهای در حال توسعه نه تنها از نظر قابلیتها و توانایی های عملی و فنی، بلکه از نظر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و

* این مقاله بر اساس ترجمه و تلخیص گزارش کمیسیون مالکیت فکری با عنوان:

Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy و گزارش نهایی و مختصر کمیسیون به رشته تحریر در آمده است. متن کامل گزارشات و گزارش نهایی کمیسیون در سایت زیر قابل دسترس می باشد : www.iprcommission.org

** دانش آموخته کارشناسی ارشد مالکیت فکری از دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

<http://www.lri.ir>

درآمد و ثروت نیز بسیار اختلاف دارند، از این جهت معیارهای فقر نیز میان کشورها متفاوت بوده و در نتیجه سیاستهای مناسب برای حل آن نیز به همان نحو متفاوت خواهد بود. سیاستهای مربوط به مالکیت فکری نیز به همان صورت اجرا می شود، یعنی با توجه به مقتضیات و خصوصیات کشورها باید به نحوی متفاوت اتخاذ گردد. سیاستهایی که در یک کشور با قابلیت تکنولوژیکی نسبتاً پیشرفته که در عین حال اغلب مردم آن در فقر به سر می برند مانند چین و هند باید متفاوت با کشورهایی که ظرفیت تکنولوژیکی ضعیف دارند مانند کشورهای آفریقایی باشد چرا که تأثیر سیاستهای مالکیت فکری بر مردم فقیر بنا به شرایط اجتماعی - اقتصادی بسیار متفاوت است.

عده ای این استدلال را طرح می کنند که حقوق مالکیت فکری رشد اقتصادی را موجب شده و فقر را کاهش می دهد. این استدلال عموماً از سوی بخش تجارتي و دولتی کشورهای توسعه یافته مطرح می شود. آنها بیان می کنند که دلیلی وجود ندارد که آنچه به خوبی در کشورهای توسعه یافته عمل نموده نتواند به گونه ای مشابه در کشورهای در حال توسعه عمل نماید. گروه دیگر که عموماً از کشورهای در حال توسعه و NGOs (سازمانهای غیر دولتی) هستند در مخالفت با این امر بیان می کنند که حقوق مالکیت فکری به میزان بسیار کمی می تواند ابداع را در کشورهای در حال توسعه تشویق نماید و این امر به دلیل فقدان ضروریات اولیه در تواناییها و قابلیت های انسانی و فنی است. به علاوه این دسته حقوق هزینه داروهای ضروری و محصولات کشاورزی را افزایش داده و به مردم فقیر و کشاورزان لطمه می زند.

با وجود این تردیدها و مخالفتها در طول ۲۰ سال گذشته تحولات بی سابقه ای در حوزه مالکیت فکری رخ داده است. سطح، میزان، دامنه و قلمرو این حقوق افزایش یافته و میزان و نقش حمایت مالکیت فکری رو به فزونی گذاشته است. حقوق مالکیت فکری مورد بازنگری قرار گرفته و به گونه ای ایجاد شده اند که تکنولوژیهای جدید، به خصوص بیوتکنولوژی و فناوری اطلاعات را تحت پوشش قرار دهند. مواد ژنتیکی به طور وسیعی ثبت اختراع شده اند و تکنولوژیهایی که در بخشهای عمومی و دولتی تولید می شوند به شکلی عادی دیگر قابل ثبت شده اند. نقطه نهایی این تحولات موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد جنبه های تجارتي مالکیت فکری (تریپس)

بود که حداقل استانداردهای حمایت مالکیت فکری را در سطح جهانی افزایش داد. بحث ادامه داری نیز در واپو با هدف یکسان سازی بیشتر سیستم حق اختراع در جریان است که ممکن است جایگزین تریپس شود. همچنین قراردادهای سرمایه گذاری و تجارت‌های دو جانبه یا منطقه ای بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز اغلب شامل عمل متقابل و تعهد در اجرای رژیم مالکیت فکری است که حتی فراتر از استانداردهای تریپس است. در واقع نوعی فشار بر کشورهای در حال توسعه برای افزایش سطح حمایت مالکیت فکری در نظام‌های حقوقی شان به مانند استانداردهای موجود در کشورهای توسعه یافته همواره در حال اعمال بوده است.

کاربرد نظام‌های مالکیت فکری بعضی نگرانی‌های حقیقی را موجب شده است و این امر مختص کشورهای در حال توسعه نیست، بلکه در کشورهای صنعتی نیز این امر مصداق دارد. برای مثال میزان درخواستهای ثبت اختراع در سالهای اخیر به شکلی افراطی افزایش یافته در حالی که ممکن است بسیاری از این اختراعات «کیفیت پایینی» داشته و یا دارای یک قلمرو کلی باشد و ادعایی کلی را شامل باشند. در این صورت شرکتها ناچارند هزینه و زمان بسیاری را صرف کنند تا مطمئن شوند که تحقیق آنها نقض حقوق سایرین و حق اختراعات عمومی و کلی نیست و این سوال مطرح می شود که آیا این افزایش سریع ثبت اختراعات بر رقابت و تحقیق اثر گذاشته یا خیر. نگرانی‌هایی که در مورد اثرات مالکیت فکری در کشورهای توسعه یافته وجود دارد به همان صورت نیز برای کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت است. کشورهای در حال توسعه به همین دلیل می توانند در این موارد از تجربه کشورهای توسعه یافته وجود دارد به در امر اجرا و کاربرد مالکیت فکری و حل این معضلات پیش تر هستند استفاده نمایند. مطلب دیگری که درباره تأثیرات متقابل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می توان مورد نظر قرار داد حوزه‌های مشترکی است که محدود به یک منطقه و کشور و نظام خاص نیست و پا را از قلمرو مرزها فراتر می نهد. محدودیت‌هایی که در مورد دسترسی به موضوعات و اطلاعات مشترک موجود در اینترنت به وجود می آید و در هر نقطه ای از جهان سایر مناطق را تحت تأثیر قرار می دهد از این دسته هستند. مثال دیگر قواعد و مقررات مالکیت فکری در مورد داروها و بیماریها و نیز بذرها و گیاهان

است که اگرچه عمدتاً و عملاً در کشورهای توسعه یافته ایجاد شده اند اما کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار می دهند و نیز در ارتباط با منابع ژنتیکی یا دانش سنتی که به عنوان یک راهکار برای بهره مندی کشورهای در حال توسعه از مزایای مالکیت فکری معرفی می شوند تا زمانی که این دسته از موضوعات در کشورهای توسعه یافته به شکل اختراع ثبت شده و می شوند کشورهای در حال توسعه قادر به بهره مندی مناسب از منافع تجاری سازی آن نخواهند گردید.

هدف این مقاله بررسی این مطلب است که آیا قواعد و ساختار مالکیت فکری به گونه ای که اکنون وجود دارد می تواند نقشی در توسعه و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه داشته باشد. گروه نگارنده معتقد است که مالکیت فکری به این شیوه در بعضی مواقع برای کشورهای جهان سوم می تواند کمک کننده باشد. چراکه این سیستم‌ها انگیزه ابداع و توسعه تکنولوژی‌های جدید را افزایش می دهد که می تواند به نفع جامعه باشد. اما در عین حال ممکن است اینها به گونه ای متفاوت نیز عمل کنند. این امر بستگی زیادی به نحوه ارائه و واکنش جامعه در برابر آنها دارد. حقوق مالکیت فکری می تواند هزینه‌هایی را به مصرف کنندگان و سایر افرادی که از تکنولوژی‌های مورد حمایت استفاده می کنند تحمیل نماید. باید نقطه تعادلی بین منافع ناشی از مالکیت فکری و هزینه‌های تحمیلی آن یافت. این تعادل بین هزینه‌ها و منافع با توجه به چگونگی اعمال حق و نیز شرایط اقتصادی و اجتماعی کشوری که حق مالکیت فکری در آن اعمال می شود بسیار متفاوت خواهد بود و ممکن است استانداردهای حمایت مالکیت فکری که در یک کشور توسعه یافته مناسب است اگر در یک کشور در حال توسعه به همان نحو اعمال شود هزینه‌های ناشی از آن بیش از منافعش باشد.

اغلب کشورهای در حال توسعه اگر چه فاقد پایه‌های تکنولوژیکی قوی هستند اما عموماً دارای منابع ژنتیکی و دانش سنتی ارزشمندی هستند این موضوع سئوالات چندی را موجب می شود از جمله اینکه آیا سیستم مالکیت فکری «مدرن» می تواند به حمایت از این منابع و دانش کمک کند و سود ناشی از استفاده از این دانش و منابع را تضمین نماید. مسئله دیگر امکانات بی شماری است که اینترنت برای دسترسی به علوم

و اطلاعات تحقیقی مورد نیاز کشورهای در حال توسعه فراهم آورد. در حالی که دسترسی به وسایل سنتی دانش ممکن است به دلیل فقدان منابع محدود باشد اینترنت و اشکال جدید انتقال اطلاعات دریچه جدیدی را به روی کشورهای جهان سوم گشوده است. اما همین شکل‌های جدید نیز ممکن است با استفاده از قواعد مالکیت فکری و یا استفاده از تکنولوژی‌های محدود کننده^۱ حتی از وسایل چاپی و سنتی نیز کمتر قابل دسترسی و استفاده باشند.

همچنین نیاز است نوع حقوقی که به عنوان حقوق مالکیت فکری اعطا می شود مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. اعطای حقوق مالکیت فکری یکی از ابزارهای سیاست عمومی است که باید به گونه ای طراحی شود که سود ناشی از آن برای جامعه تکافوی هزینه‌های تحمیلی را بنماید. به عنوان مثال سودی که از ایجاد انگیزه برای یک دارو یا تکنولوژی جدید ایجاد می شود از هزینه‌های گزاف خرید دارو و هزینه‌های ایجاد و کاربرد سیستم‌های مالکیت فکری بیشتر باشد. اما نکته ای که باید به آن توجه شود این است که حقوق مالکیت فکری حقوقی شخصی و خصوصی هستند که منافع مادی آن برای عده ای و هزینه ای ناشی از آن بر دوش اکثریت افراد جامعه قرار می گیرد. در واقع حق مالکیت فکری در بهترین وضعیت می تواند به عنوان ابزاری تلقی شود که ملتها و جوامع می توانند با کمک آن اجرای حقوق اجتماعی و اقتصادی افراد (بشر) را ارتقاء و بهبود بخشند. با اینحال اغلب حقوق بنیادین بشر وابسته به حقوق مالکیت فکری نیست. نکته دیگر در مورد تفاوت حقوق بشر و مالکیت فکری این است که حقوق مالکیت فکری توسط دولت برای یک دوره محدود اعطا می شود در حالی که حقوق بشر ذاتی بوده و جهانشمول هستند و محدود به دوره و یا شرایط خاصی نیست و در حالی که اغلب حقوق مالکیت فکری به خصوص در تریپس به عنوان حقوقی اقتصادی و تجاری تلقی می شود اما در بیشتر موارد این شرکتها هستند که دارنده حقوق مالکیت فکری هستند و نه اشخاص و مخترعین. اما توصیفی که از آنها تحت عنوان « حق » می شود نباید این اجازه را بدهد که مشکلاتی را که در نتیجه

اجرای آنها در کشورهای در حال توسعه و هزینه‌های فوق العاده ای که به مردم تحمیل می‌کند و فراتر از نیازهای ضروری و اولیه مردم فقیر آنهاست کتمان کرد.

ما اعتقاد داریم لازم است سیاستگذاران قبل از افزایش و تقویت بیشتر حقوق مالکیت فکری به اثرات این افزایش توجه نمایند. اکنون اغلب، منافع تولید کنندگان است که بر ارزیابی سیاستهای مالکیت فکری تأثیر دارد و منافع مصرف کنندگان نهایی در نظر گرفته نمی‌شود. همین عدم تعادل بین منافع تولید کنندگان و مصرف کنندگان بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز دیده می‌شود. کشورهای در حال توسعه در مذاکرات از موقعیت نسبتاً ضعیفی برخوردارند، این ایراد از آنجا ناشی می‌شود که کشورهای در حال توسعه به مانند گروهی هستند که وارد دنیایی می‌شوند که گروهی دیگر پیش از آنها ساخته‌اند. مسئله اساسی این است که چگونه کشورهای در حال توسعه می‌توانند سیستم‌های مالکیت فکری خود را با شرایط تکنولوژیکی اجتماعی و اقتصادی خودشان سازگار کنند، به همان صورتی که کشورهای توسعه یافته پیش از آنها این کار را انجام داده‌اند.

نظام‌های مالکیت فکری ممکن است نقش تخریبی و مضر بر منافع کشورهای در حال توسعه داشته باشند. کشورهای توسعه یافته باید توجه بیشتری به انطباق منافع تجاریشان با نیازهای کشورهای در حال توسعه در کاهش فقر و توسعه بنمایند. استانداردهای بالاتر مالکیت فکری نباید بدون ارزیابی دقیق و جدی و موشکافانه اثرات آن بر توسعه و مردم فقیر به کشورهای در حال توسعه تحمیل و دیکته شود. در واقع نیاز است تضمین شود که سیستم جهانی مالکیت فکری نیازهای کشورهای در حال توسعه را مد نظر قرار داده و در کاهش فقر این کشورها با استفاده از تشویق و تحریک ابداعات و نیز انتقال تکنولوژی مربوط به آن نقش موثر و مفیدی ایفاء نماید و در عین حال محصولات و فرآورده‌های تکنولوژی را به صورتی رقابتی و با قیمتی مناسب در دسترس مردم قرار دهد.

نهایتاً در ارتباط با سیستم مالکیت فکری چند موضوع کلیدی و محوری وجود دارد که کشورهای در حال توسعه باید به آنها توجه خاص مبذول دارند این موارد شامل موضوعات زیر است:

- ارتباط مالکیت فکری و توسعه و نقش مالکیت فکری در انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه.
- نقش مالکیت فکری در توسعه داروها و دسترسی به دارو توسط مردم فقیر.
- نقش حمایت مالکیت فکری از گونه‌های گیاهی و منابع ژنتیکی و رژیم مناسب این حمایت و منافع آن برای مردم فقیر و کشاورزان.
- نقش مالکیت فکری در حمایت از دانش سنتی، تنوع زیستی و نمادهای فرهنگی و منافع آن برای کشورهای در حال توسعه.
- تأثیر کپی رایت بر دسترسی کشورهای در حال توسعه بر دانش، تکنولوژی و اطلاعات مورد نیاز و تأثیر آن بر اینترنت.
- موضع کشورهای در حال توسعه در قبال یکسان سازی استانداردهای مالکیت فکری و بررسی و تطبیق نظام حق اختراع در تطابق با شرایط خاص هر کشور.
- ایجاد ساختارهای مناسب سازمانی و حقوقی و نیز ایجاد موسسات و سیاستهای مکمل، به خصوص در ارتباط با رقابت.
- بررسی ساختارهای بین المللی و سیاستهای اتخاذی آنها.

بند اول) مالکیت فکری و توسعه

حق اختراع و حقوق ادبی و هنری به طور کلی هم هزینه‌ها و هم منافع را به اشخاص و شرکت‌ها و کل جامعه وارد می‌کند. این حقوق انگیزه ابداع یا خلاقیت را ایجاد می‌کنند که به نفع جامعه و دارندگان حقوق است، اما همچنین هزینه‌هایی را به استفاده کنندگان آثار تحمیل می‌کند. کشورهای توسعه یافته کنونی از حقوق مالکیت فکری به عنوان یک ساختار منعطف استفاده کرده اند تا به ارتقا صنعتی سازی خود کمک کنند. تبعیض علیه بیگانگان با خودداری از اعطا حقوق مالکیت فکری به آنها و یا به وسیله دریافت

هزینه‌های بالاتر شایع بوده، همانطور که استثناء بعضی از صنایع مانند غذا و دارو از حق اختراع رایج بوده است. در بعضی کشورها نظام حق اختراع تنها در قرن بیستم به طور کامل اجرا شد. کشورهای آسیای شرقی که مثال‌های موفق جدید توسعه هستند، رشد و توسعه ظرفیت‌های علمی خود را مدیون رژیم ضعیف مالکیت فکری هستند. هم اکنون، طبق تریپس و به موجب فشارهای فزاینده برای یکسان سازی، اغلب کشورهای در حال توسعه از اعمال و اجرای نظام سازگار و مناسب مالکیت فکری محروم هستند. آنها نمی‌توانند در میان زمینه‌های مختلف تکنولوژی و یا بین ملیت‌های گوناگون تبعیض قایل شوند و از ابزارهای گوناگون سیاست‌های مالکیت فکری که به طور سنتی استفاده می‌شده است طبق تریپس بهره‌جویند.

شواهد جدید حاکی است که از آنجایی که کشورهای در حال توسعه واردکننده عمده تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته هستند، جهانی سازی حمایت مالکیت فکری باعث سرازیر شدن سود هنگفتی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته می‌شود. منافعی که برای کشورهای در حال توسعه از حمایت از مالکیت فکری قابل تصور است تشویق تجارت، توسعه تکنولوژیکی، سرمایه گذاری و رشد می‌باشد.

شواهدی مستدل در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که انواع خاصی از شرکتها، به خصوص در صنعت داروسازی، مالکیت فکری را برای ارتقاء ابداع ضروری می‌دانند. با اینحال، شواهد کمی از کشورهای در حال توسعه بیان می‌کند که نظام مالکیت فکری برای تشویق ابداع کلیدی هستند. در واقع، برای اغلب کشورهای در حال توسعه با ظرفیت تکنولوژیکی ضعیف، شواهد مربوط به تجارت، سرمایه گذاری خارجی و رشد نشان دهنده تاثیر کم نظام مالکیت فکری است و این امر غیر محتمل است که منافع ناشی از حمایت از مالکیت فکری با هزینه‌های آن در آینده برابری کند. برای بیشتر کشورهای در حال توسعه ای که از نظر فنی متروقی اند، تعادل بین هزینه‌ها و منافع بهتر است. ممکن است منافی از مالکیت فکری به دست آید اما هزینه‌ها بیشتر بر دوش مصرف کنندگان است.

موضوع بحث انگیز در ارتباط با مالکیت فکری شاید ارتقاء تجارت یا سرمایه گذاری خارجی نباشد، بلکه چگونگی کمک به کشورهای درحال توسعه برای دسترسی به تکنولوژی مورد نیاز برای توسعه باشد. در محیط آزاد و رقابتی کنونی، شرکتهای کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند با استفاده از واردات تکنولوژی‌های مناسب از کشورهای توسعه یافته و تولید آنها رقابت نمایند. این شرکتها بیشتر مراقبند که تکنولوژی انتقالی آنها قدرت رقابتی شان را افزایش دهد. به دست آوردن تکنولوژی مناسب با شرایط عادلانه و متعادل مشکل کمتری است تا به دست آوردن تکنولوژی مناسبی که در اقتصاد جهانی کنونی رقابتی باشد. تریپس حمایت جهانی را برای عرضه کنندگان تکنولوژی تقویت کرده، اما هیچ سیاست رقابتی جهانی را برای بهبود تعادل ایجاد نکرده است. بنابراین عاقلانه نیست که به تریپس به عنوان ابزار اصلی تسهیل انتقال تکنولوژی تمرکز شود. نیاز است تا در سازمان تجارت جهانی جلسه دیگری برای تعقیب این امر برگزار شود. کشورهای توسعه یافته باید توجهی جدی را در سیاستهای خود برای تشویق انتقال تکنولوژی مبذول دارند. به علاوه آنها باید همکاری و تحقیق‌های موثرتری را با کشورهای درحال توسعه صورت دهند تا ظرفیت‌های علمی و فنی آنها را بهبود بخشند.

- برای استفاده بهتر از نظام مالکیت فکری برای توسعه باید موارد زیر به کار بست:
- ایجاد سیاست‌های تشویقی مناسب در کشورهای توسعه یافته برای ارتقاء انتقال تکنولوژی، برای مثال از طریق کاهش مالیات برای شرکت‌هایی که به کشورهای در حال توسعه لیسانس می‌دهند.
- ایجاد سیاست‌های موثر رقابتی در کشورهای در حال توسعه.
- کشورهای در حال توسعه، سرمایه عمومی (دولتی) بیشتری را برای ارتقاء و بهبود ظرفیت‌های علمی و تکنولوژی بومی از طریق همکاری‌های علمی و تکنولوژی اختصاص دهند. مثلاً از اتحادیه جهانی تحقیق^۱ که در رابطه با همکاری مؤسسات تحقیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه فعالیت می‌کند حمایت کند.

- تعهد التزام به این امر که نتایج تحقیق‌هایی که در بخش دولتی و عمومی صورت گرفته برای همه قابل دسترسی باشد.
- تعهد به تضمین دسترسی آزاد به پایگاه‌های داده علمی.

بند دوم) بهداشت

انگیزه‌های ناشی از حق اختراع باعث تشویق بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در کشف و توسعه داروها می گردد و بدون این انگیزه تردید جدی وجود دارد که بسیاری از داروهایی که هم اکنون در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مصرف می شوند به وجود می آمد. البته شواهدی وجود دارد که قابل تأمل است، این شواهد حاکی است که نظام مالکیت فکری به دشواری نقشی در ایجاد انگیزه برای تحقیق در مورد بیماریهای خاص و شایع در کشورهای در حال توسعه دارد. این به آن معناست که موسسات تحقیق دارویی برای تحقیق بر روی داروهای خاص و بیماری خاص به طور گزینشی عمل می کنند و بیشتر از آنکه به میزان شیوع و افراد درگیر توجه نمایند به بازار مصرفی آن توجه دارند و به عنوان مثال تحقیق در مورد بیماری قلبی، ایدز و دیابت که شیوع بیشتری در کشورهای توسعه یافته دارند بیشتر از بیماریهای واگیری مثل سل و مالاریا است که شیوع عمده آن در جهان سوم می باشد.

به طور کلی جهانی سازی حمایت مالکیت فکری منجر به افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی برای توسعه و درمان بیماریهایی که ابتداءً در کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت اند نشده است. همچنین حمایت حق اختراع بر قیمت داروها تأثیری مضر دارد چرا که موجب حذف داروهای ژنریک^۱ از بازار شده و در فقدان قواعد رقابت موجب افزایش قیمتها می شود. تقویت حقوق مالکیت فکری در سطح جهانی منجر به افزایش قیمتها خواهد شد مگر که آنکه تدابیری در جهت کاهش قیمت از سوی کشورهای در حال توسعه اتخاذ شود. یکی از این شیوه‌ها «لیسانس اجباری»^۲ است. به این معنی که کشورها اجازه ساخت و تولید دارو را بدون رضایت دارنده حق

1. داروی شیمیایی مشابه داروی ثبت اختراع شده، Generic.

2. Compulsory License

<http://www.lri.ir>

به فرد دیگری واگذار کنند ، البته باید برای این امر دلایل مناسبی وجود داشته باشد. اما این راه نیز همیشه موثر نیست چرا که ممکن است آن کشور توانایی تولید آن دارو را نداشته باشد. پس باید در این حالت از شیوه‌های دیگری استفاده کرد. واردات موازی^۱ یکی از این شیوه‌هاست و نیز قیمت گذاری متفاوت^۲ که باید در سطح جهانی مکانیزی برای اجرای مناسب آن ایجاد شود. تمامی این نگرانی‌ها که ناشی از افزایش حمایت مالکیت فکری در تریپس و تاثیر آنها بر بهداشت و سلامت مردم فقیر و کشورهای در حال توسعه بود باعث گردید که بیانیه دوحه در ارتباط با تریپس و بهداشت عمومی در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۱ به تصویب برسد و هیات تریپس را موظف به بررسی این نگرانیها و تلاش در جهت رفع آنها نماید.

در ارتباط با مالکیت فکری و بهداشت توجه به نکات زیر می تواند راهگشا باشد:

- به دلیل انگیزه کمی که نظام مالکیت فکری برای تحقیق در مورد بیماریهای خاص مردم فقیر ایجاد می کند لازم است که منابع عمومی بیشتری برای تحقیق در مورد بهداشت و مشکلات بهداشتی کشورهای در حال توسعه صرف شود. این منابع اضافی باید در جهت انتفاع و گسترش ظرفیتهای موجود در کشورهای در حال توسعه برای این نوع از تحقیقات هزینه شود و ظرفیتهای جدید را در بخش دولتی و خصوصی افزایش دهد.

- نیاز است که کشورها بسته ای از سیاستها را برای بهبود و دسترسی به دارو ایجاد نمایند. منابع بیشتری نیز برای بهبود خدمات، مکانیزم تحویل و ارائه زیرساختها لازم و ضروری است و سایر سیاستهای اقتصادی نیز باید با اهداف سیاست بهداشتی هماهنگ باشند و البته رژیم مالکیت فکری نیز از این قاعده مستثنی نیست. کشورها باید اطمینان حاصل کنند که رژیم حمایت مالکیت فکری نه تنها بر خلاف سیاستهای عمومی بهداشت حرکت نمی کند بلکه حمایت کننده و سازگار با آن سیاستها نیز هست.

▪ نظام مالکیت فکری می تواند در ایجاد مکانیزم قیمت گذاری متفاوت کمک کننده باشد که در این صورت قیمت داروها در کشورهای در حال توسعه پایین تر شده و در عین حال در کشورهای توسعه یافته در سطحی بالاتر حفظ می شود. اگر مکانیزم قیمت گذاری متفاوت اجرا شود لازم است که از ورود مجدد داروهای ارزان قیمت به کشورهای توسعه یافته جلوگیری شود در نتیجه کشورهای توسعه یافته باید رژیم قانونگذاری خود را تقویت نمایند تا از ورود کالاهای دارویی با قیمت پایین از کشورهای در حال توسعه جلوگیری نمایند و به حفظ قیمت گذاری متفاوت کمک کنند. همچنین کشورهای در حال توسعه باید در قوانین خود اقدام به امر واردات داروهای ثبت اختراع شده را تسهیل نمایند تا بتوانند آن داروها را با قیمتی ارزانتر از سایر نقاط جهان فراهم کنند. تریپس هم اکنون این اجازه و اختیار را به کشورها داده تا در قوانین خود این امر را که «واردات موازی» خوانده می شود بگنجانند.

▪ کشورهای در حال توسعه باید قوانین و رویه‌های عملی را وضع نمایند که آنها را مجاز به استفاده از لیسانس اجباری نماید و نیز باید مقررات مشابهی را برای «استفاده دولتی»^۱ ایجاد کنند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته چنین قوانینی دارند که به دولت اجازه می دهد در بسیاری از مواقع از اختراع ثبت شده بدون آنکه نقض حقوق دارنده تلقی شود استفاده نماید.

▪ موضوع اجرای لیسانس اجباری برای آن دسته از کشورهای در حال توسعه که ظرفیت تولیدی کافی ندارد هنوز در هیات تریپس در حال بررسی است. این مسئله موضوعات حقوقی و عملی بسیاری را مطرح ساخته اما لازم است راهی یافته شود که ماهیت راه حل اتخاذی با اهداف تهیه داروهای با کیفیت مناسب و با کمترین هزینه ممکن منطبق باشد و اگر این راه حل به دست نیابد راه حل حقوقی واقعیت عملی کمتری خواهد یافت و گزینه لیسانس اجباری به عنوان یک ابزار مذاکره ای با شرکتهای موثر نخواهد بود. این راه حل باید قابلیت کاربرد سریع و آسان را داشته باشد تا بتواند نیازهای واقعی مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه را که در اولویت هر امری قرار دارد را تضمین نماید و همچنین این راه حل باید شرایطی را ایجاد کند که عرضه

کنندگان دارو انگیزه اقتصادی کافی را برای صادرات داروهای موردنیاز این کشورها داشته باشند.

■ تریپس انعطاف‌هایی را در مورد چگونگی طراحی سیستم‌های حق اختراع به کشورها اجازه می‌دهد. اغلب کشورهای در حال توسعه که ظرفیت تحقیق کافی ندارند چیز کمی از اجرای شدید حمایت مالکیت فکری به عنوان ایجاد انگیزه تحقیق به دست می‌آورند و در عوض مبالغ بسیاری را در نتیجه اجرای مالکیت فکری و تاثیر آن بر قیمت‌ها از دست می‌دهند. در نتیجه کشورهای در حال توسعه باید معیارهای قابلیت ثبت را محدود نمایند تا بتوانند از اعطا حق اختراع به آن دسته از اختراعات و داروهایی که اهداف بهداشتی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد خودداری نمایند. این نظام‌ها باید ارتقاء رقابت را هدف قرار دهد و تضمین‌هایی را برای منع سوء استفاده از سیستم حق اختراع مقرر کند.

■ کشورهای در حال توسعه باید قواعدی را در قوانین خود بگنجانند تا به موجب آن ورود داروهای ژنریک به محض انقضاء دوره حمایتی حق اختراع میسر شود و کشور در یک دوره خاص دچار کمبود دارو نشود. یکی از این مقررات «استثناء بلار»^۱ است. طبق این قاعده شرکتهای سازنده داروهای ژنریک اجازه می‌یابند که بر روی توسعه نسخه‌های ژنریک داروهایی که ثبت اختراع شده اند در طول مدت حمایت کار کنند بدون آنکه عمل آنها نقض حقوق دارنده داروی اصلی تلقی شود.

■ طبق بیانیه دوحه کشورهای در حال توسعه و با حداقل توسعه مجازند تا سال ۲۰۱۶ از اجرای استانداردهای تریپس خودداری نمایند. اما آن دسته از کشورهای با حداقل توسعه که هم اکنون حمایت داروهایی را در قوانین خود دارند باید با دقت در جهت اصلاح مقررات خود اقدام کنند تا بتوانند از امتیازات این بیانیه بهره کافی را ببرند.

اداره کل پژوهش‌ها و مراکز علمی و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
بند سوم) کشاورزی و منابع ژنتیک

اینگونه به نظر می آید که در حالی که تحقیقات عمومی و دولتی کشورهای توسعه یافته در ارتباط با کشاورزان فقیر کشورهای در حال توسعه راکد و یا حتی در حال کاهش است، بخشهای خصوصی تحقیق که توسط مالکیت فکری حمایت می شوند در کشورهای توسعه یافته و نیز بخشهای تجاری برخی از کشورهای در حال توسعه همچنان فعال هستند. البته باید به این فهرست تحقیقات بخش دولتی کشورهای در حال توسعه را نیز افزود. اما به طور کلی و در ترکیب این گرایشها می توان این خطر را دریافت که اولویتهای تحقیق به طور فزاینده ای از نیازهای کشاورزان و مردم فقیر کشورهای در حال توسعه به سمت منافع تجاری بیشتر سوق داده می شود.

مسئله دیگر در رابطه با کشاورزی و حمایت از گونه های گیاهی، حقوق کشاورزان^۱ است. در حالی که در سالهای اخیر حقوق مالکیت فکری و پرورش دهندگان بذر و گیاه^۲ به طور فزاینده ای گسترش یافته است. اما در مورد خدماتی که کشاورزان در گزینش توسعه و حفظ و بهبود گونه های سنتی گیاهی - که پایه تکنیک های گیاهی مدرن است - انجام داده اند کارهای اندکی در عمل صورت گرفته و در حمایت از حقوق کشاورزان گامها به آهستگی برداشته شده است. اخیراً معاهده فائو در مورد «منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی» به تصویب رسیده که خواهان حمایت از ژنهای موجود در بانکهای ژن می باشد بدین صورت که این مواد مستقیماً قابل ثبت اختراع نباشد (مگر اینکه تغییرات بسیار عمده در آنها ایجاد شده باشد) و نیز این معاهده کشورها را به حمایت از حقوق کشاورزان تشویق می کند.

طبق تریپس کشورها باید نوعی از حمایت مالکیت فکری را در مورد گونه های گیاهی به کارگیرند. این شیوه می تواند حق اختراع یا یک شکل مستقل از حمایت یا ترکیبی از این دو باشد. اینگونه به نظر می آید که سیستم های مستقل حمایت از گونه های گیاهی^۳ نمی توانند نقش موثری در ایجاد انگیزه تحقیق در مورد بذرها و دانه ها به طور کلی و به خصوص آن دسته از بذرهایی که توسط کشاورزان فقیر کشت می شوند داشته باشد. سیستم های PVP برای رفع نیازهای بخش کشاورزی تجاری در کشورهای

1. Farmers Right
2. Plant Breeders Rights
3. Plant Variety Protection(PVP)

توسعه یافته طراحی شده و ممکن است تهدیدهایی را بر علیه رویه‌های عملی و سنتی بسیاری از کشاورزان در کشورهای در حال توسعه اتخاذ کند و آنها را از استفاده مجدد، مبادله و فروش غیررسمی دانه‌ها منع نماید. و چنین قواعدی ممکن نیست که بدون داشتن بخش کشاورزی تجاری برای کشورهای در حال توسعه مفید و مناسب باشد. حق اختراع عمدتاً در کشورهای توسعه یافته استفاده می‌شود تا هم از گونه‌های گیاهی و مواد ژنتیکی به کار رفته در گیاه حمایت کند. حق اختراعات به دلیل آنکه نوعاً حمایت قوی تری را از اغلب سیستم‌های PVP مقرر می‌کنند انگیزه شدیدتری را نیز برای تحقیق به خصوص در کشورهای توسعه یافته، به وجود می‌آورند و اغلب شرکت‌های چند ملیتی بیوتکنولوژی - کشاورزی این مسئله را حایز اهمیت بسیار می‌دانند با اینحال حق اختراع تهدید جدی تری را به حق سنتی کشاورزان در مورد استفاده مجدد و مبادله دانه‌ها وارد می‌کند.^۱

در رابطه با کشاورزی و حقوق مالکیت فکری توجه به نکات زیر دارای اهمیت است:

■ به دلیل محدودیتهایی که سیستم حق اختراع در استفاده و بکارگیری بذرها و دانه‌ها توسط کشاورزان و محققان ایجاد می‌کند کشورهای در حال توسعه نباید طبق آنچه در تریپس آمده از نظام حق اختراع برای حمایت از گیاهان و حیوانات استفاده نمایند، بلکه بهتر است که آنها شکل متفاوتی از نظام‌های مستقل را برای گونه‌های گیاهی ایجاد کنند.

■ آن دسته از کشورهای در حال توسعه که ظرفیت تکنولوژیکی محدود دارند و غیرمحمول است نفعی از انگیزه‌های تحقیق موجود در سیستم حق اختراع ببرند و ممکن است بیشتر متحمل هزینه شوند باید از به کارگیری سیستم حق اختراع در مورد

۱. لازم به توضیح است که اغلب کشاورزان کمتر از خرید دانه و بذر به طور رسمی استفاده می‌کنند، آنها عموماً دانه‌ها و بذرها را از طریق مبادله و معاوضه و یا با استفاده از محصول سال گذشته به دست می‌آورند. به این شیوه و با اعطاء حق اختراع به بذرها ممکن است کشاورزان از این رویه سنتی منع شوند و مجبور شوند هر ساله دانه و بذرها را خریداری کنند که این امر می‌تواند به ضرر کشاورزان فقیر کشورهای در حال توسعه باشد.

بیوتکنولوژی کشاورزی خودداری نمایند و به همان دلایل فوق آنها باید یک تعریف بسیار محدود از اصطلاح میکرو ارگانسیم اتخاذ نمایند.^۱

■ آن دسته از کشورهایی که دارای صنایعی در ارتباط با بیوتکنولوژی هستند و یا خواهان توسعه این صنایع هستند ممکن است بخواهند که انواع خاصی از حمایت حق اختراع را در این حوزه ایجاد نمایند. در این صورت آنها باید استثنائاتی خاص را نسبت به حق انحصاری دارندگان به نفع تحقیق و سایر پرورش دهندگان گیاه وارد نمایند و بسیار مهم است که استثنائات واضح و بدون ابهامی در مورد حقوق کشاورزان در استفاده مجدد از دانه‌ها و بذرها در قوانین بگنجانند.

■ بازنگری‌هایی که در مورد مقررات مرتبط در تریپس هم اکنون در هیات تریپس در حال بررسی است باید همچنان حق کشورها را در عدم اعطاء حق اختراع برای گیاهان و حیوانات و نیز ژنها و گیاهان و حیوانات اصلاح ژنتیکی شده به رسمیت شناخته و حفظ نماید. همچنین این بازنگری‌ها باید به کشورها این اجازه را بدهد که رژیم‌های مستقلی را برای حمایت از گونه‌های گیاهی که مناسب با سیستم‌های کشاورزی آنهاست ایجاد کرده و توسعه دهند. چنین رژیم‌هایی باید دسترسی به گونه‌های حمایت شده برای تحقیق و پرورش بیشتر را اجازه دهد و نیز حقوق کشاورزان را در ذخیره و کاشت دوباره گیاهان و دانه‌ها و نیز امکان فروش و مبادله غیررسمی به رسمیت شناسد.

■ به دلیل رشد تلفیق در صنعت بذر و دانه مهم است که بخشهای عمومی و دولتی تحقیق در حوزه کشاورزی و نیز شاخه‌های بین‌المللی آن بیشتر تقویت شده و منابع مالی بیشتری را دریافت دارند و هدف عمده در این جریان باید تضمین این امر باشد که تحقیق‌ها در ارتباط با نیازهای کشاورزان فقیر ادامه یابد و نیز محصولات به دست آمده از تحقیق بخش دولتی در رقابت با محصولات بخش خصوصی قرار گیرد و میراث و منابع ژنتیک گیاهی جهان حفظ شده و از انحصار نجات یابد. به علاوه این حوزه ای است که

۱. لازم به ذکر است که حمایت از میکرو ارگانسیم‌ها در تریپس الزامی شده است. (ماده ۲۷) اما هیچ تعریف مورد توافقی از این اصطلاح هنوز وجود ندارد و این امر به هر کشور واگذار شده است .

ملتها باید از قواعد و حقوق رقابت استفاده کنند تا نسبت به درجات بالای ادغام در بخش خصوصی واکنش نشان دهند.^۱

■ کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باید به پروسه تصویب معاهده بین المللی فائو در مورد منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی شتاب دهند و به طور خاص باید مقررات معاهده را در مورد موضوعات زیر اجرا نمایند: ۱- عدم اعطا حمایت مالکیت فکری برای هرگونه مواد ژنتیکی که به همان شکل از بانکهای ژن تحت حمایت معاهده دریافت شده است (مگر اینکه تغییرات عمده ای در آن صورت گرفته باشد که دارنده را مستحق دریافت حقوق مالکیت فکری نماید). ۲- همچنین آنها باید ابزارهایی را برای ارتقاء حقوق کشاورزان به کار گیرند که این امر شامل حمایت از دانش سنتی مربوط به منابع ژنتیک گیاهی، حق سهیم شدن در سود منصفانه ناشی از کاربرد منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی و حق شرکت در تصمیم گیری در موضوعات مربوط به حفظ و استفاده مداوم از منابع ژنتیک گیاهی در سطح ملی می باشد.

بند چهارم) دانش سنتی و نشانه‌های جغرافیایی

انگیزه‌هایی برای حمایت و ارتقاء دانش سنتی وجود دارد، این امر به دلیل فشار خارجی است که موجب تحلیل و از بین رفتن سبک زندگی سنتی می شود و با حمایت از تنوع زیستی و فرهنگی می توان آنها را به عنوان ابزاری برای اهداف توسعه ای به کاربرد. عده ای خواهان حفظ و حمایت از دانش سنتی هستند تا به وسیله آن از انتفاع تجاری از آن جلوگیری کنند و برخی دیگر می خواهند تا از این دانش به شیوه ای مناسب استفاده شود تا به نفع مالکان اصلی آن باشد. به دلیل تردیدهایی که در مورد حمایت از دانش سنتی وجود دارد ممکن است موضوعات و مسائل بزرگتری نیز در این باره خود نمایی کند، به عنوان مثال وضعیت جوامع بومی که در یک اقتصاد یا

۱. لازم به توضیح است که شواهد حاکی از آن است که در مناطقی که در حوزه کشاورزی نوعی از حقوق مالکیت فکری به صورت حق اختراع و با سیستم مستقل ایجاد شده بازار به سمت ادغام شرکتهای کوچک پیش رفته است و عمدتاً کل بازار در انحصار تعداد بسیار قلیلی قرار گرفته که این امر مانع رقابت شده و نهایتاً به ضرر مصرف کنندگان عمل کرده است.

جامعه بزرگتر مثلاً در یک کشور مستقر و یا در چندین کشور به طور پراکنده قرار دارند و ممکن است مالکیت آنها در مورد آن سرزمین که منشا دانش است مورد مناقشه باشد. به دلیل تنوع دلایل حمایت و نیز ماهیت کلی و عمومی موضوعات مورد شمول، یک راه معین و ثابتی برای حمایت وجود ندارد و به یک سیاست چندگانه با ابزارهای مکمل نیاز خواهد بود که حتی ممکن است خارج از حیطه حقوق مالکیت فکری باشد. حمایت از دانش سنتی می تواند با استفاده از نظام های مالکیت فکری موجود و یا از طریق ایجاد اشکال جدید مستقل حمایت صورت گیرد. در سالهای اخیر مواردی از اعطا حق اختراع در مورد دانش سنتی که در حوزه عموم قرار داشته مشاهده شده است. برای جلوگیری از سوء استفاده از این دانش و به دست حق اختراع تلاشهایی در جهت فهرست کردن و مستند و مکتوب کردن دانش های سنتی در پایگاه های داده صورت گرفته که این پایگاه ها در تمامی ادارات ثبت اختراع برای مامورین بررسی کننده اختراعات قابل دسترسی باشد تا به این طریق از اعطا اختراعات به آنچه که قبلاً به عنوان دانش سنتی وجود داشته به فرد مدعی اختراع جلوگیری شود.

در بعضی از کشورها استفاده از دانش در سایر نقاط جهان به عنوان دلیلی برای عدم اعطا حق اختراع به رسمیت شناخته شده است. برای مثال استفاده از دانش در سایر نقاط می تواند اثبات کننده این باشد که اختراع ادعایی جدید نبوده یا واضح می باشد، حتی اگر در داخل آن کشور استفاده نمی شده است. در سایر موارد حتی اگر حق اختراعات برای ابداعات و اختراعات معتبری اعطا شوند که از منابع ژنتیک یا دانش سنتی ناشی شده، ممکن است جوامع بومی که دارنده اصلی چنین منابع یا دانشی هستند رضایت رسمی خود را اعلام نکرده باشند و یا ترتیباتی برای سهم شدن آنها در منافع تجاری سازی این منابع یا دانش ها مورد توافق قرار نگرفته باشد.

کنوانسیون تنوع زیستی^۱ ضمن آنکه خواهان تشویق دسترسی به منابع ژنتیک جهان است مقرر نموده که این امر باید با رضایت رسمی مالکان منابع بوده و آنها را در هرگونه سود ناشی از دسترسی به این منابع به شیوه ای مناسب سهم نماید. در مورد این مسئله که افزایش و تقویت نظام مالکیت فکری حمایت کننده کنوانسیون تنوع

1. CBD (the abbreviation of : Convention on Biological Diversity)

<http://www.lri.ir>

زیستی است تردیدهای بسیاری وجود دارد و در مرکز تمامی این مسائل این موضوع مطرح است که آیا متقاضی حق اختراع باید منبع و منشا منابع ژنتیکی استفاده شده در اختراعش را در فرم تقاضا نامه ثبت اختراع افشاء نماید. در هیات تریپس تردیدهای دیگری در مورد این مسئله وجود دارد که آیا حمایت موجود در تریپس در رابطه با نشانه‌های جغرافیایی باید افزایش یابد یا خیر. حال این افزایش می‌تواند از طریق ایجاد یک مرکز ثبت بین المللی نشانه‌ها و یا از طریق حمایت‌های مضاعفی که هم اکنون تنها در مورد نوشیدنی‌ها و مشروبات اجرا می‌شود و می‌تواند برای سایر محصولات نیز قابل اعمال باشد، صورت پذیرد. برای رهایی از این تردیدها نیاز است که یک ارزیابی اقتصادی واقعی از اثرات چنین حمایت‌های مضاعفی در کشورهای در حال توسعه صورت گیرد.

در ارتباط با حمایت از دانش سنتی نکات زیر ارائه گردیده است.

■ در این مرحله اولیه از بحث و بررسی دانش سنتی مسائل و موضوعات بسیاری وجود دارد که نیاز به بررسی و مذاقه دارد اما در عین حال باید آن دسته از دیدگاه‌های منطقی و واضح را که مورد آزمایش و اجرا قرار گرفته اند پذیرفت و از دوباره کاری پرهیز کرد.

■ با وجود دسته وسیعی از موضوعات تحت حمایت و دلایل متنوعی برای حمایت ایجاد یک نظام واحد دانش سنتی عام که همه موضوعات را تحت مشمول قرار دهد و سیستم مستقلی برای آن باشد شاید به قدری خاص و محدود شود که آنقدر انعطاف پذیر نباشد که همه نیازها را پیش بینی و آنها را برطرف نماید.

■ کتابخانه‌های دیجیتالی دانش سنتی که هم اکنون نیز ایجاد شده اند باید به محض ایجاد در لیست اسناد بررسی حداقلی اداره‌های ثبت اختراع قرار گیرد تا تضمین شود که اطلاعات موجود در آنها در طول پروسه بررسی تقاضای حق اختراع مدنظر مامورین قرار می‌گیرد. مالکان دانش سنتی باید نقشی مهم را در تصمیم‌گیری اینکه چنین دانشی در پایگاه داده قرار بگیرد یا خیر داشته باشند و نیز باید از عواید ناشی از انتفاع تجاری آن اطلاعات بهره مند شوند.

- آن دسته از کشورهایی که تنها استفاده داخلی را در تعریف خود از علوم موجود به کار می برند باید رفتار برابری را با سایر استفاده کنندگان دانش در سایر نقاط جهان و کشورهای دیگر اتخاذ نمایند و نیز باید ماهیت غیرکتبی اغلب دانش سنتی در هر اقدامی برای توسعه بیشتر حق اختراع بین المللی در نظر گرفته شود.
- اصل انصاف اعلام می دارد که هیچ شخصی نباید قادر باشد از یک حق مالکیت فکری که پایه اش منابع ژنتیکی یا دانش مربوط ای است که وی برخلاف مقررات حاکم بر دسترسی بر آن منابع دست یافته سودی ببرد. در چنین مواردی بار اثبات دعوی عمدتاً باید بر عهده شاکی (دارنده و متصدی دانش) باشد تا بتواند عمل خطای دارنده مالکیت فکری را اثبات نماید. اما این امر مستلزم این است که شاکی از آنچه که رخ داده و انجام شده آگاه باشد. به این دلیل همه کشورها باید در قوانین خود افساء اجباری در تقاضا نامه ثبت اختراع را در مورد منشاء جغرافیایی منابع ژنتیکی که اختراع از آن ناشی شده را گنجانند. این شرط باید استثنائاتی منطقی نیز داشته باشد برای مثال در جایی که تعیین منشا جغرافیایی مواد غیرممکن است. ضمانت اجراهای مربوط باید تنها در موردی اجرا شود که بتوان نشان داد که مالک حق اختراع در افساء منبع و منشاء شناخته شده مواد کوتاهی کرده و یا وی به صورت آگاهانه می خواسته دیگران را در مورد منشا مواد گمراه نماید.
- باید ایجاد نظامی را مد نظر قرار داد که طبق آن ادارات ثبت اختراع اگر در جریان بررسی تقاضاها منشا جغرافیایی منابع ژنتیکی و یا دانش سنتی را در آن تشخیص دادند. آن اطلاعات را یا به کشور مربوط یا به واپو ارسال کنند ، واپو در این مورد به عنوان یک امین در مورد اطلاعات ماهوی حق اختراعات عمل می کند. از طریق این ابزارها امکان نظارت دقیقتر بر استفاده و سوء استفاده از منابع ژنتیکی فراهم می شود.
- در ارتباط با نشانه‌های جغرافیایی تحقیقها و بررسی‌های بیشتری باید از طریق یک نهاد مستقل و احتمالاً آنکتاد^۱ صورت گیرد تا منافع و هزینه‌های آن را برای کشورهای در حال توسعه ارزیابی کند و نقش قواعد و مقررات کنونی تریپس را در

توسعه این کشورها مطالعه و هزینه‌ها و منافع پیشنهاداتی را که در مورد افزایش و تسری نشانه‌های جغرافیایی و ایجاد یک مرکز ثبت چند جانبه داده شده، بررسی کند.

بند پنجم) کپی رایت، نرم افزار و اینترنت

می‌توان نمونه‌هایی از کشورهای در حال توسعه را برشمرد که از حمایت کپی رایت منفعت برده‌اند. صنعت فیلم و نرم افزار هند نمونه بارز این مطلب است. اما تعیین ذکر و نمونه‌های دیگر کمی دشوار است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه زمانی طولانی است که حمایت کپی رایت را در نظام حقوقی خود دارند اما با اینحال مدرکی وجود ندارد که ثابت کند این حمایت انگیزه کافی را برای رشد صنایع وابسته به کپی رایت ایجاد کرده است. دلیل این مدعا این است که اغلب کشورهای در حال توسعه علی‌الخصوص آنها که کوچکترند وارد کننده محصولات کپی رایتی هستند و عمده ترین ذینفعان این حمایت دارندگان حق مالکیت فکری خارجی هستند که از نظام کپی رایت و اجرای آن برای تحمیل هزینه‌های بیشتر به این کشورها استفاده می‌کنند. در معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون برن، انعطافهایی در نظام کپی رایت پیش بینی شده که کپی از آثار تحت حمایت را با اهداف استفاده شخصی و تحصیلی مجاز می‌داند که این دسته از مقررات به عنوان استفاده عادلانه نامبردار شده‌اند. اما به نظر نمی‌رسد که این مقررات به تنهایی برای رفع نیازهای کشورهای در حال توسعه به خصوص در زمینه تحصیلی و آموزشی کافی باشد.

کشورهای در حال توسعه باید سیستم‌های موثری را برای اجرای حقوق به کار گیرند. با اینحال در بسیاری موارد (مثلاً در نرم افزارها) میزان قابل توجهی از کپی غیرقانونی از آثار رخ می‌دهد که بسیار بیشتر از میزان آن در کشورهای توسعه یافته است. اما همین سطح ضعیف از اجرای حقوق تاثیر عظیم غیرقابل انکاری در پراکندن و انتشار دانش و محصولات بر پایه دانش در کشورهای در حال توسعه دارد. در واقع بسیاری از مردم فقیر کشورهای در حال توسعه تنها قادر به دسترسی به آثار خاصی هستند که از طریق کپی‌های غیرمجاز ایجاد شده و قیمت بسیار کمتری از آثار اصلی دارد. یکی از آثار غیرقابل اجتناب حمایت شدید و اجرای آن مانند آنچه در تریپس

مقرر شده کاهش دسترسی به محصولات تحت حمایت کپی راییت در کشورهای در حال توسعه است که نتایج زیانبار آن متوجه مردم فقیر این کشورها است. اگرچه دسترسی به اینترنت در اغلب کشورها به سرعت در حال افزایش است اما این امر در کشورهای در حال توسعه محدود است. در مواقعی که دسترسی این کشورها به کتابها و مجلات به دلایل گوناگون از جمله کمبود و فقدان منابع محدود گردیده اینترنت می تواند یک وسیله غیر رقابتی کم هزینه برای دسترسی به دانش و اطلاعات موردنیاز کشورهای در حال توسعه تلقی شود، اما کاربرد قواعد کپی راییتی در مورد اینترنت می تواند مشکل آفرین شده است. قواعد تاریخی و سنتی استفاده عادلانه نیز ممکن است به دلیل استفاده از حمایتهای تکنولوژیکی حتی از موردی که حمایت کپی راییت شدیدتر اعمال می شود نیز محدودتر گردد. در آمریکا قانون جدید^۱ DMCA دور زدن و شکستن این حمایت تکنولوژیکی را منع می کند حتی اگر هدف آن نقض قوانین کپی راییت نباشد. اتحادیه اروپا شکل خاصی از حمایت را برای پایگاه های داده ایجاد نموده^۲ که هدف آن تشویق و اعطا پاداش برای سرمایه گذاری در ایجاد پایگاه های داده است که این امر ممکن است دسترسی به اطلاعات را توسط دانشمندان یا سایر افراد منجمله در کشورهای در حال توسعه محدود نماید و نیز معاهده کپی راییت واپس^۳ سال ۱۹۹۶ شامل ارکان و اجزایی است که می تواند دسترسی کشورهای در حال توسعه را به اطلاعات و دانش محدود نماید.

در تلفیق حقوق کپی راییت با سیاستهای توسعه ای باید نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

▪ ناشران کتابها و ژورنالهای معمولی و آنلاین و نیز تولیدکنندگان نرم افزار باید در مورد سیاستهای قیمت گذاری خود تجدید نظر کنند تا به کاهش کپی غیرمجاز کمک کرده و دسترسی به محصولاتشان را در کشورهای در حال توسعه تسهیل نمایند. ابتکار

1. The Digital Millennium Copyright Act

2. Database Directive

3. WIPO Copyright Treaty (WCT)

<http://www.lri.ir>

کمک داوطلبانه ناشران به کشورهای در حال توسعه برای دسترسی بیشتر به محصولاتشان ارزشمند است و باید ترویج چنین طرح‌هایی تشویق شود.

■ به منظور بهبود دسترسی به آثار کپی رایتی برای نیل به اهداف تحصیلی و انتقال دانش، کشورهای در حال توسعه باید ابزارهای رقابتی را در قوانین کپی رایت خود بگنجانند. این کشورها باید مجاز شناخته شوند که دسته‌ای از استثنائات کلی را برای استفاده‌های تحصیلی، تحقیقی و کتابخانه‌ای در قوانین ملی خود داشته باشند. اجرای معیارهای بین‌المللی کپی رایت در کشورهای در حال توسعه باید با درک صحیح وجود نیاز شدید به بهبود دسترسی به این محصولات و درک اهمیت حیاتی آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی صورت پذیرد.

■ کشورهای در حال توسعه و اعضای کمک‌کننده به آنها باید در سیاست‌های تهیه نرم افزارهای کامپیوتری بازنگری کنند تا تضمین شود گزینه‌های استفاده ارزان قیمت و یا محصولات نرم افزاری متن باز^۱ به طور صحیحی اجرا گردیده^۲ و منافع و هزینه‌های آن به دقت ارزیابی شده اند به منظور تطبیق هرچه بیشتر نرم افزارها با نیازهای بومی و محلی کشورهای در حال توسعه باید در قوانین کپی رایت داخلی اجازه استفاده از مهندسی معکوس را در مورد برنامه‌های نرم افزاری کامپیوتر بدهند، البته این امر باید سازگار با معاهدات بین‌المللی باشد که آنها پذیرفته اند.

■ کاربران اینترنت در کشورهای در حال توسعه باید مجاز تلقی شوند که از قواعد استفاده عادلانه استفاده نمایند و مثلاً حق تهیه کپی و پرینت گرفتن از منابع الکترونیکی را البته به تعداد مناسب برای اهداف تحصیلی و تحقیقی داشته باشند و یا بتوانند با اقتباس از آثار به نقد و تفسیر آنها دست بزنند. ممکن است عرضه کنندگان نرم افزار در فقدان قواعد مناسب حمایتی اقدام به عقد قرارداد با هدف محدود کردن استفاده عادلانه بنمایند. در این صورت باید این دسته از شروط قرارداد که متعارض با حق مصرف کنندگان است باطل تلقی شوند. نیز ممکن است عرضه کنندگان دانش و نرم افزار از

1. Open Source

۲. نرم افزارهای متن باز یا متن آزاد نرم افزارهایی هستند که به کاربر آزادی‌هایی را در رابطه با اجرای برنامه برای هر کاری، مطالعه چگونگی کار برنامه و تغییر آن، تکثیر و کپی برنامه، تقویت و بهتر کردن برنامه و توزیع آن برای همگان می‌دهد.

<http://www.lri.ir>

طریق ابزارهای تکنولوژیکی مثل رمزگذاری نسبت به ایجاد محدودیت اقدام کنند، در این حالت استفاده از شیوه‌ها و ابزاری برای شکستن و هک کردن این برنامه‌ها و ابزارهای تکنولوژیکی نباید غیرقانونی و نقض حق مالک قلمداد شود. کشورهای در حال توسعه باید برای پیوستن به معاهده کپی رایت و ایپو بسیار بادقت فکر کنند و نیز این کشورها نباید راه آمریکا و اتحادیه اروپا را با وضع مقرراتی مانند DMCA و دستورالعمل پایگاه داده بیمایند.

بند ششم) اصلاح سیستم حق اختراع

ماهیت ناهمگون و متفاوت کشورهای در حال توسعه به خصوص از نظر ظرفیتها و قابلیت‌های علمی و فنی به این معناست که آنها باید نظام مالکیت فکری را که بهتر نیازها و اهداف توسعه ای آنها را مرتفع می سازد و با شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها سازگارتر است انتخاب نمایند. آن دسته از کشورهای در حال توسعه که از نظر تکنولوژیکی پیشرفته تر هستند ممکن است خواهان اتخاذ نظامی باشند که حمایت قویتر و شدید حق اختراع را داشته باشد تا بتواند انگیزه‌های را افزایش داده و با تشدید حمایت از جنبه‌های بازاریابی توسعه و تحقیق پرهیز کرده و از سرازیر شدن منابع به سمت ایجاد دعاوی و اختلافات ناشی از حق اختراعاتی که از نظر اعتبار در تردید هستند جلوگیری نمایند. چنین نظام‌هایی نیاز به تضمین‌هایی مناسب دارند تا اطمینان حاصل شود که محیط رقابتی بوده و هزینه‌ها برای مصرف کنندگان به حداقل می رسد. اما برای اکثریت کشورهای در حال توسعه به خصوص آنها که کم درآمد بوده و اصولاً متکی به واردات کالا و تکنولوژی هستند بهترین سیستم حق اختراع ایجاد و مقرر کردن معیارهای سختگیرانه و مضیق قابلیت ثبت است که در نتیجه آن کمترین میزان از اختراعات قادر به برآوردن شرایط و معیارهای قابلیت ثبت را می گردند. این نظام مرجح از نظامی است که حمایت شدیدی را مقرر می کند که منافع آن اصولاً به مالکان حق اختراعات خارجی می رسد. و نیز به دلایل مذکور بر پایه شکل حمایتی اختراع سطح دومی از حمایت به وجود آمد که مدل مصرفی^۱ نامیده می شود. این نظام

1. Utility Models

<http://www.iri.ir>

، حمایتی ضعیف و کوتاهتر را به اختراعاتی که از لحاظ خلاقیت و گام ابتکاری درجه پایین تری از اختراعات معمولی برخوردارند و قادر به آورده کردن معیارهای حق اختراع نیستند اعطا می‌کند. این نظام برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه و شرایط اقتصادی آنها مناسبتر از حق اختراع می‌باشد.

از آنجایی که اغلب متخصصان و کارشناسان علمی و تکنولوژیکی در کشورهای در حال توسعه، در بخش‌های دولتی مشغول به کار و تحقیق هستند لازم است که این کشورها در اعطا حق اختراع به ابداعات این مراکز به پیروی از کشورهای توسعه یافته دقت بیشتری به خرج دهند. کشورهای در حال توسعه باید مسائل و دغدغه‌هایی که در نتیجه اعطای حق اختراع به مراکز دولتی و دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه یافته ایجاد شده توجه ویژه‌ای مبذول دارند و مزایا و معایب آن را برای ایجاد انگیزه و یا از بین بردن تحقیق بررسی کرده و تاثیری را که این امر برای اولیتهای تحقیق می‌گذارد مدنظر قرار دهند. چرا که ممکن است به دلیل اعطا حق اختراع به مراکز دولتی و دانشگاهها، اولویت تحقیقها از منافع کل جامعه و نیازهای مردم فقیر به سمت منافع اقتصادی محققان و مراکز آنها سوق داده شود.

مسئله دیگر تأثیر قواعد حق اختراع کشورهای توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه است چرا که قواعد و مقررات حق اختراع کشورهای توسعه یافته در چارچوب آن کشور باقی نمی‌ماند و این قواعد زمانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند که بدانیم اغلب تحقیقهایی که در ارتباط با کشورهای در حال توسعه انجام می‌شود در کشورهای توسعه یافته یا با همکاری محققان این کشورها صورت می‌گیرد. به خصوص نگرانی عمده‌ای در مورد ابزارهای ضروری برای تحقیق ' وجود دارد'، افزایش ثبت اختراع ابزارهای تحقیقی در کشورهای توسعه یافته می‌تواند به عنوان یکی از موانع تحقیق در کشورهای در حال توسعه تلقی شود. کشورهای در حال

1. Research Tools

۲. به دسته کلی از منابع شیوه‌ها و تکنیکها که در تحقیق استفاده می‌شوند ابزار تحقیق گفته می‌شود. برای مثال تراب زنی در زمینه تکنولوژی ابزار تحقیق محسوب می‌شود.

<http://www.lri.ir>

توسعه باید تا جایی که امکان دارد سعی نمایند که سیستم حق اختراع خود را به گونه ای اجرا کنند که از ایجاد چنین مشکلاتی پرهیز شود. هم اکنون کشورهای در حال توسعه در کاربرد و اجرای نظام حق اختراع با موانع و مشکلاتی مواجهند. فشار زیادی برای یکسان سازی نظام حق اختراع بین المللی وجود دارد. از آنجایی که نظام های ثبت اختراع ضرورتاً ملی یا منطقه ای هستند لذا واضح است که دوباره کاری در طی تشریفات رسیدگی از جمله تحقیق و بررسی اجتناب ناپذیر است اما هماهنگ سازی و یکسان سازی نظام حق اختراع می تواند این دوباره کاری را حذف کند. اما این امر خطری نیز برای کشورهای در حال توسعه دارد که ممکن است به دلیل یکسان سازی، معیارهای حمایت کشورهای توسعه یافته به آنها تحمیل شود که ممکن است متناسب با شرایط آنها نباشد. مسئله اساسی برای کشورهای در حال توسعه در مذاکرات جدید قواعد بین المللی این است که محدودیت های بیشتر را نسبت به آزادی خود برای طراحی سیاست های مناسب حق اختراع نپذیرند مگر اینکه اثبات شود که این امر در جهت منافع آنهاست.

کشورهای در حال توسعه برای اصلاح سیستم حق اختراع خود باید به موضوعات زیر توجه نمایند:

- کشورهای در حال توسعه باید در تعهدات دوجانبه و بین المللی، یک نظام حق اختراع رقابتی را مقرر کنند که حوزه موضوعات قابل ثبت را محدود کند و استانداردهای سختگیرانه قابلیت ثبت را اجرا کرده و رقابت را تسهیل نماید و شامل تضمین ها و ضمانت اجرایی باشد که سوء استفاده از حق اختراعات را منع نموده و ابداعات بومی و محلی را نیز تشویق کند.
- اگر کشورهای در حال توسعه بخواهند از حمایت حق اختراع برای ابداعات بیوتکنولوژی استفاده کنند باید آن را به گونه ای نسق دهند که تضمین شود استفاده از این اختراعات برای سایر محققان تا جایی که ممکن است کمتر محدود شود.
- سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه باید به جای تضعیف معیارهای قابلیت ثبت ایجاد نظام حمایتی مدل مصرفی را برای تشویق و پاداش ابداعات در نظر داشته

باشند. این امر به ایجاد انگیزه برای ابداعات و خلاقیت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه غلبه دارند و برجسته تر هستند کمک می‌کند.

■ در موسسات تحقیقی دولتی کشورهای در حال توسعه، مالکیت فکری نقش عمده‌ای در ارتقاء انتقال و کاربرد تکنولوژی‌ها دارد، اما در عین حال مهم است به نکات زیر توجه شود:

- به نظر نمی‌رسد که هدف اصلی ایجاد منابع مالی جایگزین باشد، بلکه هدف ارتقاء انتقال تکنولوژی است.

- باید مراقب بود که ضروریات و اولویتهای تحقیق از زمینه‌های مورد نیاز مردم فقیر مثل کشاورزی و بهداشت، به سمت تحقیق باهدف کسب درآمد بیشتر از لیسانس سوق داده نشود.

- اقدام به حق اختراع و لیسانس تنها باید در جایی صورت گیرد که تشخیص داده شود برای تشویق و توسعه بخش خصوصی و کاربرد و اجرای تکنولوژی‌ها ضروری است.

- باید توجه خاصی به نیاز به داشتن حق اختراعات دفاعی^۱ در مورد ابداعات و اختراعات مهم مبذول شود. بخشهای دولتی می‌توانند از این حق اختراعات دفاعی به عنوان یک ابزار چانه زنی استفاده کنند، در این صورت زمانی که تکنولوژی مکمل آن در تملک بخشهای خصوصی است می‌توان از اختراعات دفاعی برای لیسانس متقابل^۲ استفاده کرد و به تکنولوژی مورد نیاز دست یافت.

- وجود حق متعادل، شرط لازم برای توسعه مالکیت فکری در موسسات بخش عمومی است. البته نباید اهداف کلان سیاست عمومی تحقیق را فراموش کرد.

■ مهم است که اقداماتی با هدف تسهیل دسترسی به ابزار ضروری تحقیق و ایجاد فرصت برای بهبود نظام‌های حق اختراع در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انجام شود تا مشکلات ناشی از این موارد به نحو شایسته‌ای رفع گردد.

▪ کشورهای در حال توسعه باید استراتژی خود را برای مواجهه با خطر یکسان سازی‌های بین‌المللی قوانین اختراع که منجر به ایجاد استانداردها و معیارهایی می‌شود که نفع آنها را در نظر نمی‌گیرد، مشخص و تعیین نمایند. این استراتژی باید در جستجوی معیارهایی باشد که پیشنهادات این گزارش را منعکس نماید و انعطاف‌های موجود در استانداردها را نیز ادامه دهد و در نهایت اگر مشخص شود که نتیجه پایانی رویکرد یکسان سازی منافع کشورهای در حال توسعه را تأمین نخواهد کرد می‌توان این پروسه را به طور کامل رد کرده و از پذیرش آن یکسان سازی‌ها خودداری شود.

بند هفتم) توانایی سازمانی^۱

برای اغلب کشورهای در حال توسعه اجرای تریپس و نیز سازگاری و انطباق با حوزه‌های جدید مالکیت فکری مانند بیوتکنولوژی و نرم افزار نیازمند ایجاد تغییرات در قوانین مالکیت فکری است. بسیاری از این کشورها با دشواریهایی در رابطه با توسعه یک سیاست هماهنگ مالکیت فکری مواجهند. ترکیب بندی سیاست مالکیت فکری در یک کشور در حال توسعه باید بر مبنای درک این مسئله باشد که چگونه سیستم مالکیت فکری باید برای ارتقاء و دستیابی به اهداف توسعه ای به کار گرفته شود. با اینحال بسیاری از کشورهای در حال توسعه ظرفیت سازمانی ضعیفی داشته و به خصوص فاقد پرسنل ماهر و متخصص هستند.

کشورهای در حال توسعه نیاز دارند که در کمبود پرسنل ماهر، دسته ای از اختیارات و امکانات سازمانی را برای اجرای رژیم مالکیت فکری در نظر بگیرند و نیز مجموعه ای از سیستم‌های فناوری اطلاعات را به گونه ای که به طور موثرتر در اداره امور به کار رود استفاده نمایند برای مثال یک موضوع مهم و تعیین کننده در رژیم حق اختراع استفاده از سیستم حق اختراع ثبتی یا شکلی و بررسی کننده یا ماهوی است. در نوع اول که سیستم شکلی و ثبتی است تنها بررسی ساده تقاضانامه کافی بوده و در نتیجه نیاز به پرسنل ماهر و متخصص را در ادارات ثبت اختراع به حداقل می‌رساند اما این نوع سیستم مشکلاتی نیز دارد. استفاده از شیوه دوم یعنی بررسی ماهوی تقاضاها و

1. Institutional Capacity

<http://www.iri.ir>

بررسی تمامی معیارهای قابلیت ثبت به دلیل مشکل منابع انسانی چالش برانگیزتر و دشوارتر است. البته چندین روش را می‌توان برای حل این مشکلات به کار برد، یک راه استفاده از ساختارها و رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی است که تحقیق و بررسی را آسانتر می‌کند. شیوه دیگر بستن قرارداد با سازمانهای دولتی و یا دانشگاهها که دارای تخصص مناسب و مربوط هستند می‌باشد. در نتیجه می‌توان شاهد بود که تعیین سیاستهای درست در زمینه مالکیت فکری و اجرای آن با درک کامل از شرایط ویژه هر کشور راه را برای اهداف مهمتر هوار می‌کند.

مسئله دیگر هزینه‌های ناشی از اجرا و پیاده سازی رژیم مالکیت فکری است. چرا که ایجاد و اجرای سیستم‌های مالکیت فکری هزینه بر است و کشورهای در حال توسعه نباید منابع مالی خود را از بودجه بخشهای مهم بهداشت و تحصیلات به سمت کمک به اجرای سیستم مالکیت فکری هدایت کنند و از آنجایی که عمده ترین ذینفعان حقوق مالکیت فکری در اغلب کشورهای در حال توسعه شرکتهای خارجی هستند، لذا به نظر می‌رسد که مناسبتر است که هزینه‌های اجرای مالکیت فکری نیز علی‌الاصول بر دوش آنها باشد که آن را از طریق سازو کارهای مناسب مالیاتی بپردازند. عده‌ای یک سیستم پلکانی دریافت هزینه را پیشنهاد داده‌اند که از طریق آن از شرکتهای خارجی و افراد دارای توانایی مالی، هزینه بیشتر و از موسسات و افراد داخلی کم بضاعت هزینه کمتر دریافت شود. بررسی و اجرای این شیوه می‌تواند از میزان هزینه‌های اجرایی سازمانی دولت بکاهد و به درآمد زایی کشورهای در حال توسعه کمک کند.

مورد دیگر وضعیت سازمانی و ساختاری دادگاهها در اجرای حقوق مالکیت فکری است. حقوق مالکیت فکری تنها زمانی برای دارنده آن ارزشمند است که قابلیت اجرا داشته باشد و سیستم قانونی و قضایی به آن ترتیب اثر دهد. نیز سیستم قضایی و قانونی باید این توانایی را داشته باشد که آن دسته از حقوق مالکیت فکری را که فاقد اعتبار هستند ابطال و رد نماید. با اینحال اجرای دولتی حقوق مالکیت فکری و اجرای آن از طریق سیستم قضایی کیفری پرهزینه است و نیز از طرف دیگر در بسیاری از کشورها سیستم‌های قضایی زیر فشار شدید قرار می‌گیرند، علی‌الخصوص در حوزه‌های

مربوط به حقوق تجارت این فشارها شدیدتر است. مالکان حقوق مالکیت فکری از کشورهای در حال توسعه نیز در اجرای حقوق خود در کشورهای توسعه یافته با مشکلات فراوانی مواجهند و این مشکلات به دلیل هزینه‌های سنگین اقامه دعوی در کشورهای پیشرفته بوده که عموماً نیز به دلیل عدم وجود پشتوانه مالی قوی برای آنها حادثتر از افراد سایر کشورها است. اما ماهیت «خصوصی» حقوق مالکیت فکری از این ایده حمایت می‌کند که این دسته از دعاوی یا در خارج از دادگاهها با شیوه‌های غیرقضایی (مثل داوری و میانجیگری و...) حل و فصل شوند و یا به منظور کاهش مسئولیت اجرایی دولت و دادگاه، در پروسه قضایی مدنی رسیدگی شوند.

کشورها توسعه یافته رژیم‌های مالکیت فکری خود را به موازات سایر مقررات به گونه‌ای ایجاد کرده‌اند که رقابت افزایش یابد این دسته از قواعد و مقررات به عنوان ضمانت اجرایی هستند که از کاهش افراطی رقابت توسط رژیم مالکیت فکری جلوگیری کند. اما کشورهای در حال توسعه عموماً قواعدی برای منع رویه‌های غیررقابتی نداشته و یا دارای مکانیزم‌های ضعیف و غیر موثر هستند. در این کشورها ایجاد و اجرای قوانین موثر رقابتی و سازمانهای مجری آن، درست به مانند ایجاد رژیم‌های مالکیت فکری، چالش برانگیز است پس کشورهای در حال توسعه باید تقویت سیاستهای رقابتی را اولویت داده و طراحی آن را برای همه زمینه‌ها و نه فقط به عنوان بسته مکمل مالکیت فکری، در دستور کار خود قرار دهند.

به موجب تریپس کشورهای توسعه یافته متعهد به ارائه کمکهای فنی و مالی برای تسهیل اجرای مقررات تریپس به کشورهای در حال توسعه هستند. اغلب کشورهای توسعه یافته بعضی از اشکال کمک فنی در ارتبا با مالکیت فکری را به کشورهای در حال توسعه ارائه داده‌اند. اما نیاز است که کمیت و کیفیت این کمکها مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد. زیرا به نظر نمی‌رسد که نتیجه این کمکهای فنی همسنگ تلاشها و منابع صرف شده باشد. به نظر می‌آید این مسئله ناشی از این امر باشد که کمکها اغلب از کانالهای متفاوت و از طریق سازمانهای مختلفی ارائه می‌شود که هیچگونه هماهنگی و ارتباطی بین آنها وجود ندارد و این کمکها به قدر کافی با سایر کمکهای

توسعه ای تلفیق نشده است. ایجاد زمینه سازمانی و ساختاری برای هماهنگی کمک‌ها و نتیجه بخش کردن آنها دارای اهمیت بسیاری است.

اهم مطالب در رابطه با این حوزه‌ها موارد زیر است:

■ کشورهای در حال توسعه و افراد و موسسات کمک کننده باید با یکدیگر کار و همکاری نمایند تا تضمین شود که پروسه‌های اصلاح سیستم مالکیت فکری ملی به طور صحیح با حوزه‌های مرتبط سیاست توسعه ای تلفیق و ترکیب شده و با هم سازگار هستند و لازم است تلاش‌های بیشتری برای مشارکت داخلی افراد درگیر در اصلاحات مالکیت فکری صورت گیرد. در ارائه کمک‌های فنی، کمک کنندگان باید به ساختن و ایجاد توانایی سازمانی ملی برای پذیرش سیاست مالکیت فکری و ارتباط با افراد درگیر کمک کرده و نیز مشورت حقوقی ارائه نمایند.

■ کشورهای در حال توسعه باید این امر را هدف قرار دهند که تمامی هزینه‌های ایجاد و حفظ سیستم و ساختار ملی مالکیت فکری خود را، به جای تخصیص بودجه از طریق مبالغ دریافتی از استفاده کنندگان از سیستم تامین نمایند و نیز باید یک سیستم پلکانی را برای دریافت مبالغ ثبت مالکیت فکری طراحی کنند. سطح میزان دریافتی باید مرتباً مورد بازنگری قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که این مبالغ پاسخگوی تمامی هزینه‌های اجرا و اداره سیستم می باشد و حتی به درآمد زایی دولت و کشور نیز کمک می نماید.

■ به منظور به حداقل رساندن هزینه‌ها کشورهای در حال توسعه باید مطمئن گردند که رویه‌ها و مقررات مالکیت فکری به جای سیستم قضایی کیفری به دعاوی مدنی تاکید دارد. پروسه اجرا باید برای هردو طرف عادلانه و مناسب باشد و باید اطمینان حاصل نمود که احکام و قرارها و سایر ابزارها توسط مالک حقوق مالکیت فکری به طور ناروا برای بلوکه کردن رقابت قانونی استفاده نمی شود.

■ کشورهای توسعه یافته باید روش‌هایی را بکار گیرند که دسترسی موثر به سیستم مالکیت فکری شان را توسط مخترعان ملتهای در حال توسعه تسهیل نماید. برای مثال این امر می تواند شامل هزینه‌های متفاوت که مناسب با وضعیت مخترعان فقیر است

باشد و نیز ترتیباتی برای باز پس گیری هزینه‌های قانونی توسط طرفین پیروز دعوا طراحی شده و یا اینکه هزینه‌های اجرای مالکیت فکری را در برنامه‌های کمک فنی بگنجانند و از آن منبع آن را تامین نمایند.

▪ کشورهای توسعه یافته و موسسات بین المللی که کمک‌هایی را برای توسعه رژیم‌های مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه ارائه می دهند باید مقرر نمایند که چنین کمک‌هایی به همراه توسعه ساختارها و سیاست‌های موثر رقابتی صورت گیرد.

▪ واپسو، اداره ثبت اختراعات اروپایی^۱ و کشورهای توسعه یافته باید بطور چشمگیری کمک‌های فنی مربوط به مالکیت فکری را بسط و افزایش دهند. مبالغ اضافی مورد نیاز می تواند به جای تأمین اعتبار از بودجه از طریق افزایش هزینه‌های دریافتی از استفاده کنندگان مالکیت فکری تامین شود، مانند هزینه‌هایی که برای ثبت در اداره همکاری ثبت اختراعات^۲ پرداخته می‌شود. کمک کنندگان می توانند کمک فنی مستقیم بیشتری به کشورهای با حداقل توسعه بنمایند با این دید که نیازهای خاص آنها در توسعه رژیم مالکیت فکری و ایجاد زیرساختهای لازم برای اجرای موثر آن را برطرف نمایند.

▪ کمک‌های فنی مربوط به مالکیت فکری باید در ارتباط با نیازهای توسعه ای خاص هر کشور و اولویت‌های آنها سازمان دهی شود. یک راه برای انجام این کار داخل کردن چنین کمک‌هایی در یک چارچوبه تلفیقی با کمک‌های تجاری است که هدف آن ترکیب و تلفیق بهتر طرح‌های توسعه ملی و استراتژی‌های کمک موسسات کمک کننده است.

▪ اشخاص و گروه‌های کمک کننده باید سیستم‌های نظارت و ارزیابی برنامه‌های همکاری توسعه مالکیت فکری را تقویت کرده و در اولین گام باید یک گروه کاری از کمک کنندگان و کشورهای در حال توسعه تشکیل گردد تا اثرات این کمکها را بررسی کرده و در کمک‌های فنی مربوط به مالکیت فکری بازنگری کنند.

1. European Patent Office
2. Patent Corporation Treaty

بند هشتم) ساختار بین المللی

مؤسسات بین المللی مسئول برای ایجاد سیاست‌های بین المللی مالکیت فکری واپو و سازمان تجارت جهانی هستند. واپو موسسه اصلی مسئول برای سازماندهی مذاکرات معاهدات مالکیت فکری و اجرای آنها است. سازمان تجارت جهانی حوزه فعالیت وسیعتری از واپو دارد، اما عملکرد آن برای توسعه سیاست مالکیت فکری مهم بوده چرا که قواعد سازمان تجارت جهانی به خصوص در مورد مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات، توانایی اجرایی وسیعتری را به آن سازمان داده است. اهداف واپو همانگونه که در مواد اساسنامه آن آمده ارتقاء حمایت مالکیت فکری در سطح جهانی و یکسان سازی و متحدالشکل سازی قوانین ملی است. این سازمان این اهداف را بطور مطلق بیان نموده و هیچگاه به هزینه‌های مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه اشاره ای ننموده و یا به ارتباط پیچیده بین حمایت مالکیت فکری و توسعه توجهی نداشته است.

انعطاف‌هایی که در تریپس برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده همیشه به طور کامل توسط این کشورها استفاده نمی شود. این امر ممکن است ناشی از تصمیمی آگاهانه باشد که این انعطاف‌ها را انجام دهند و یا می تواند به دلیل قراردادهای دوجانبه ای باشد که این عمل را منع می کند و همچنین می تواند ناشی از عدم آگاهی کافی سیاستگذاران در پروسه قانونگذاری نسبت به اختیارات و امکانات در دسترس و کاربرد کامل آنها باشد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی به قوانین مدل و کمک‌های فنی و تکنیکی ارائه شده توسط واپو دارند، اگر چه سایر ادارات مالکیت فکری منطقه ای و ملی در کشورهای توسعه یافته نیز نقش عمده ای در ارائه این مشورتها دارند. در مورد ارزش مشورت‌های واپو عمده ای این نگرانی و تردید را ابراز داشته اند که در ارائه مشاوره‌ها و کمک‌ها به کشورهای در حال توسعه تمامی انعطاف‌های موجود در تریپس در نظر گرفته شده و بهترین استفاده از این امکانات در رابطه با شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشورها صورت نگرفته است.

کشورهای در حال توسعه باید معیارهای حمایت مالکیت فکری را زمانی که خود مناسب تشخیص می دهند پذیرفته و اجرا کنند. در صورتی که ایجاد یک رژیم مالکیت فکری با سطح توسعه ای کشورهای در حال توسعه تناسب نداشته باشد هزینه های قابل توجهی را متوجه آنها خواهد کرد. دلایلی قوی وجود دارد که نشان می دهد برای کشورهای در حال توسعه بسیار مطلوب خواهد بود اگر خود بهترین زمان را برای تقویت و افزایش حمایت مالکیت فکری تعیین نمایند. در تریپس یک دوره زمانی برای کشورهای با حداقل توسعه در زمینه دارویی تا سال ۲۰۱۶ بیان گردیده است.

کشورهای توسعه یافته با داشتن استانداردهای بالای حمایت مالکیت فکری در روابط تجاری خود سطح بالایی از منافع را نصیب خود می کنند. از این رو توافقات دوجانبه یا منطقه ای آنها با کشورهای در حال توسعه استانداردهای بالای حمایت را حتی بیشتر از تریپس مقرر می کند که استفاده از انعطافات و استثنائات تریپس و سایر معاهدات را برای کشورهای در حال توسعه محدود و منع می کند و این استانداردهای شدید نمی تواند برای این سطح از توسعه کشورهای درگیر مناسب باشد.

مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در مباحثات و مذاکرات آینده سیستم مالکیت فکری ضروری است که مشروعیت استانداردها و مناسب بودن آنها را برای ملت های با سطوح مختلف توسعه تضمین نماید. مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه وابسته به تخصص و تجربه نمایندگان آنهاست در حالی که ممکن است آنها از موضوعات فنی مطرح شده در وایپو و سازمان تجارت جهانی اطلاع کافی نداشته باشند. همچنین ممکن است کشورهای در حال توسعه مشورت هایی را در مورد موضوعات مالکیت فکری از منابع گوناگون دریافت دارند. این مسئله به دلیل تنوع منابع می تواند امتیازاتی داشته باشد اما باید به خاطر داشت که این مشاوره ها اغلب منعکس کننده دیدگاه های ارائه دهندگان آن است به جای اینکه ضرورتاً به منافع و بهترین راه حصول آن برای کشور مورد نظر توجه داشته باشد در بکارگیری این مشاوره ها باید دقت و تأمل کرد.

سازمان های غیردولتی نقش مثبتی در بیان نگرانی ها و موضوعات ، در نتیجه در ارتباط با مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه داشته اند. به عنوان مثال آگاهی-

های عمومی که این سازمانها در مورد توسعه و بهداشت ایجاد کردند فاکتور مهمی در حمایت کشورهای در حال توسعه در مذاکرات بیانیه دوحه بود. در حوزه کشاورزی و منابع ژنتیکی نیز نقش سازمان‌های غیردولتی قابل توجه است. اما عده ای در مورد اظهارات سازمان‌های غیردولتی و اعتبار آنها تردید ابراز می دارند. البته این یک نگرانی به حق است و بسیار مهم است که بدانیم در صورتی نقش آنها مفید و سازنده خواهد بود که اظهارات آنها با درک صحیح از منافع کشورهای در حال توسعه صورت گرفته باشد. اما در عین حال و با وجود نگرانی‌ها، سازمان‌های غیردولتی می توانند نقش مهمی را در مذاکرات و گفت‌وگوهای بین‌المللی در مورد موضوعات مرتبط داشته باشند. قواعد و قوانین بین‌المللی مالکیت فکری به سرعت در حال توسعه و افزایش هستند و بسیار مهم است که اثرات بالفعل و بالقوه این قوانین درست به مانند خود قوانین به طور صحیحی درک شوند و این امر تنها زمانی محقق می شود که سیاستگذاران پیش از آنکه به پیش فرض‌ها متوسل شوند از شواهد و مدارک مستدل برای سنجش ارزش این قواعد برای کشورهای در حال توسعه استفاده نمایند. با اینحال نسبتاً تحقیق‌های بسیار کمی برای درک و فهم اثرات مالکیت فکری صورت گرفته است.

در رابطه با ساختار بین‌المللی موارد زیر قابل توجه هستند :

■ واپو باید اقدام به تلفیق و ترکیب اهداف توسعه ای با هدف آن سازمان که ارتقاء حمایت مالکیت فکری در کشورهای در حال توسعه است، بنماید و باید این امر را تصدیق کند که حمایت مالکیت فکری هم منافع و هم هزینه‌هایی دارد و هماهنگ کردن اینها با نیازها و رژیم داخلی کشورهای در حال توسعه می تواند تضمین کننده این مسئله باشد که هزینه‌ها بر منافع ناشی از مالکیت فکری پیشی نخواهد گرفت و نیز واپو باید مراحل فرعی برای رسیدن به این هدف را تعیین نماید. حداقل تضمین برای رسیدن به این امر این است که کمیته‌های مشورتی متشکل از نمایندگان، دسته وسیعتری از افراد باشد و نیز این کمیته همکاری وسیعتر و نزدیکتری با سایر سازمان‌های بین‌المللی مرتبط مانند سازمان بهداشت جهانی، فائو، آنکتاد و بانک جهانی داشته باشند.

■ واضح است که برای دستیابی به تلفیق و ترکیب اهداف توسعه ای با اهداف وایپو باید بتوان تفسیرهای جدیدی از مقررات و مواد اساسنامه وایپو ارائه داد و شاید لازم گردد که دولتهای عضو وایپو در مقررات وایپو بازنگری کنند تا اجازه چنین تفسیرها و تلفیق‌هایی را بیابند.

■ وایپو باید به گونه ای عمل نماید که سیاست‌هایش در قبال نیازها موثرتر باشد و مشورتهایی را که ارائه می دهد با شرایط خاص کشور دریافت کننده کمک و مشورت تناسب داشته باشد. دولتها باید در تهیه قوانین مالکیت فکری افراد بیشتری را هم در داخل و خارج دولت و هم از بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان مالکیت فکری مشارکت دهند و این عده از افراد در برگیرنده طیف وسیعی از افراد جامعه باشند. سایر ارائه دهندگان کمک فنی به کشورهای در حال توسعه نیز باید مراحل مشابهی را به کاربرند.

■ به کشورهای با حداقل توسعه برای اجرای تریپس باید یک مهلت زمانی تا سال ۲۰۱۶ داده شود. هیات تریپس باید معیارها و ضوابطی را بر اساس شرایط تکنولوژیکی و توسعه اقتصادی وضع کند تا بر مبنای آن این مهلت قابل تمدید باشد. آن دسته از کشورهای با حداقل توسعه که هم اکنون مقررات و استانداردهای تریپس را تصویب نموده اند باید آزاد باشند که در مهلت یاد شده قوانین خود را اصلاح کنند.

■ اگر چه کشورهای در حال توسعه حق دارند که برای پذیرش یا اتخاذ استانداردهای فراتر از تریپس در صورتی که فکر می کنند به نفع آنهاست اقدام نمایند ، اما کشورهای توسعه یافته باید در سیاستشان در مورد دیپلماسی تجاری منطقه ای یا دوجانبه با کشورهای در حال توسعه تجدید نظر کنند تا تضمین شود آنها به کشورهای در حال توسعه استانداردها و یا زمانبندی اجرایی فراتر از تریپس را تحمیل نمی کنند.

■ به دلیل هزینه‌هایی که فرستادن نمایندگان و یا ایجاد نمایندگی در مرکز و مقر وایپو برای کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کم درآمد - دارد ، معمولا دسته ای از این کشورها از حضور در جلسات و مذاکرات وایپو خودداری می کنند. به نظر می رسد وایپو باید طرحهای موجودش را برای تامین مالی نمایندگی‌های کشورهای در حال توسعه افزایش دهد تا این کشورها بتوانند به طور موثری در همه

جلسات مهم وایپو و سازمان تجارت جهانی که منافع آنها را تحت تاثیر قرار می دهد شرکت کنند.

▪ آنکتاد باید دو پست جدید برای مشاوره مالکیت فکری ایجاد کند تا مشاوره‌هایی را در زمینه مذاکرات مالکیت فکری بین المللی به کشورهای در حال توسعه ارائه دهند. پیشنهاد می گردد که سازمان توسعه بین المللی^۱ تامین مالی این سیستمهای جدید را در ادامه تامین مالی پروژه‌های مربوط به تریپس تقبل کرده و به آنکتاد پردازد.

▪ وایپو و سازمان تجارت جهانی باید برای سازمانهای جامعه مدنی فرصتهای لازم را برای ایفاء نقش قانونی شان به گونه ای مفید و موثر ایجاد کنند. برای مثال این امر می تواند با دعوت از سازمانهای غیردولتی و سایر گروه‌های جامعه مدنی مرتبط ، برای شرکت و نظارت در کمیته‌های مشورتی انجام شود و یا با سازمان دهی جلسات عمومی منظم برای بررسی موضوعات لازم و مرتبط با مشارکت این سازمانها و سازمانهای غیر دولتی صورت پذیرد.

▪ حمایت کنندگان تحقیق منجمله وایپو باید منابع مالی را برای حمایت از تحقیقهای بیشتر در مورد رابطه مالکیت فکری و توسعه در حوزه‌های خاصی که در این گزارش آمده اختصاص دهند. ایجاد یک شبکه بین المللی و همکاری بین حمایت کنندگان تحقیق و دولت‌های کشورهای در حال توسعه و آژانسهای توسعه و سازمانهای دانشگاهی در زمینه مالکیت فکری می تواند از این حیث کمک کننده و مفید باشد که اولویتهای تحقیق به گونه ای هماهنگ تعیین شده و برخورداری و سهم شدن در دانش یکدیگر و توزیع نتایج تحقیقها و یافته‌ها تسهیل شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
اداره کل پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی